

«عباد غفوری» برگزار کننده یک رویداد فرهنگی در تهران است و از تلاشش برای بهبود فرهنگ مردم می‌گوید

همه چیز شدنی است، اما باید تلاش کرد

◀ همایش «صبح خلاق» یک رویداد کاملاً رایگان است و همه مردم می‌توانند در آن شرکت کنند

◀ تصویری که از رویدادهای ما منتشر شد با بهترین شهرهای دنیا مثل نیویورک و پاریس هم تراز می‌کند

◀ خبرنامه ما به ۶۰۰ هزار نفر از شرکت کنندگان در سراسر دنیا ارسال می‌شود و آنها تصاویر تهران را جوری می‌بینند که شاید قبلاً آن فکرش را هم نمی‌کردند



عباد غفوری

خیلی زیاد مواجه می‌شوم. مثلاً برای یک نپه‌روز مبلغ بیش از ۶ میلیون تومان درخواست می‌کنند! وقتی می‌گویم ما یک کار فرهنگی رایگان انجام می‌دهیم، با این جمله مواجه می‌شوم: «این مشکل خودتونه!» این اتفاق در مورد سالن‌های آرگان‌ها به شکل وحشتناک‌تری اتفاق می‌افتد. در جاهای دولتی نمی‌گویند این مشکل خودتان است، می‌گویند: «برای چی داری رایگان برگزار می‌کنی؟ دنبال چی هستی؟ چه فکری را می‌خواهی تزیق کنی؟» یعنی فکرشان به چیزهای دیگر منحرف می‌شود. این دیدگاه مسموم و خطرناک است. با همین دید می‌توانند خیلی راحتی جلوی کار ما را بگیرند. بدون این که این سختی را به خود بدهند تا درباره کارمان تحقیق کنند و ببینند به این که شاید یک نفر واقعاً دار کار فرهنگی انجام می‌دهد. این حرف‌هایشان البته منع قانونی برای ما ندارد، چون سندی بابت این حرف ندارد، اما این فکرهایی که دارند، خیلی اذیت می‌کند و واقعاً دل‌سردکننده است. چرا این آدم‌ها باید درباره من که هم‌وطن آنها هستم و با این کار در واقع دارم به آنها و فرزندانشان خدمت می‌کنم، چنین فکری کنند.

درباره هزینه که گفتیم می‌توانم مثالی بزنم. ما نخستین بار سالن برج آزادی را با این توافق که داریم کار فرهنگی می‌کنیم به مبلغ ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان اجاره کردیم. به ما گفتند از این به بعد سالن را رایگان در اختیارتان قرار می‌دهیم یا مبلغ خیلی کمتر از این، ولی برای ما بعد که خواستیم با رئیس برج آزادی صحبت کنیم، با رقم ۱۰ میلیون تومان مواجه شدیم! این شد که مجبور شدیم مکان دیگری را پیدا کنیم. وقتی تبلیغ‌مان را برای رویداد در مکان جدید شروع کردیم، از آزادی زنگ زدند و گفتند با همان مبلغ ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان می‌توانید به ما سالن بدهند. این رفتار بازاری با یک رویداد فرهنگی اصلاً زیبا نیست. اما کار فیلمبرداری که قبل‌تر توضیح دادم هم با سختی‌های زیادی همراه بود. ما مجوز فیلمبرداری داشتیم، اما هر جایی که سه‌پایه دوربین را می‌گذاشتیم، امکان نداشت مانع کار ما نشوند. مجوز ناچاراً قبول نداشتند و از صد جای دیگر مجوز می‌خواستند. اسپانسر گرفتن هم خیلی سخت است. از ابتدا که رویداد شروع شد، از هزینه شخصی‌ام گذاشتم و هنوز هم این کار را می‌کنم، چون آنچنان نمی‌توانیم اسپانسر بگیریم. وقتی دنبال اسپانسر می‌رویم و می‌گوئیم رویداد رایگان برای عموم آزاد است، می‌گویند «وقتی تخصصی نباشد برای چی در آن تبلیغ کنیم؟!» جایگاه و دید شرکت‌ها روی مسئولیت اجتماعی‌شان اصلاً جایگاه قابل‌تعرفی نیست. شرکت‌ها به کار می‌کنند که سراغ کسی بروند که کار فرهنگی انجام می‌دهد و مخاطبش قشری است که صبح‌جمعه‌اش را برای یادگیری یک چیز جدید می‌گذارد.

• **دوست‌ها ما یک تیم همراه در کنار خود دارید. سیستم دارید در پاره آنها هم بگویید؟**
از همه کسانی که در این کار شرکت می‌کنند، متشکرم. به این دلیل نیست که کنار من هستند، به خاطر این است که آن‌قدر آدم‌های خوبی‌اند و آن‌قدر جزئی دارند که وقتشان را به صورت رایگان می‌گذارند، تا برای مردم شهر کاری انجام دهند و این باعث افتخار من است که با این آدم‌ها دوست هستم. در مورد بچه‌ها چیزی که می‌شود گفت این است که انسان‌های خاصی هستند، کسانی که می‌شود به آنها

کوشش می‌کنند و همان را به مردم تحویل می‌دهند. من خودم هیچ وقت در این همایش‌ها شرکت نمی‌کنم و اصلاً دوست ندارم. اما درباره کارهای اجتماعی تبلیغ و ویدامان را انجام دادیم. بعد از برگزاری رویداد نخست، عکس‌های زیادی از آن را در شبکه‌های اجتماعی مان منتشر کردیم. این باعث شد آدم‌های بیشتری با آن آشنا شوند. سخنران رویداد نخست آقای «مهره‌وتن هاشمی» بودند. موضوع سخنرانی «فراز از انتظار» بود. ایشان کسی هستند که ایران‌گردی کرده و فیلم‌هایی با کیفیت فوق‌العاده بالا از کشورمان تهیه می‌کنند. این ویدیوها کیفیت جدیدی از ایران را ارائه می‌دهند و از نظر ما این کار چیزی فراتر از انتظار است. برای رویداد دوم همان سالن ۱۳۰ نفره را گرفتیم، اما این بار تعداد بیشتری آمدند و حتی عده‌ای ایستاده بودند. خیلی بهتر برگزار شد. برای فرستاده اسپانسر گرفتیم و پزیرایی خوبی انجام دادیم. موضوع این رویداد «سرندیبیتی» بود. ترجمه این کلمه «خوش‌شانسی اتفاقی» است. این رایگوم که هر ماه به همراه تان با موضوع، متنی هم درباره آن موضوع فرستاده می‌شود. در هر درباره «سرندیبیتی» نوشته شده بود که این کلمه برگرفته از داستان سه شاهزاده سرندیب است که از کتابی نوشته «میر خسرو دهلوی» گرفته شده و داستانش این بود که این سه شاهزاده مدام خوش‌شانسی‌های اتفاقی برای‌شان رخ می‌داد. این جالب بود که «میر خسرو دهلوی» این داستان را نوشته و بعد یک نویسنده انگلیسی «سرندیبیتی» را از آن استنباط کرده است. نخستین دعوت می‌کنیم و فکرم می‌کند که به این هدف هم رسیده‌ایم. یک ماه سخنران‌مان را بعد از ثبت‌نام معرفی کردیم. ثبت‌نام خیلی عادی برگزار شد و جالب بود که مردم از قبیل منتظر نبودند تا بتوانند سخنران این ماه کیست.

• **آقای غفوری سوالی که دارم این است که چطور می‌شود یک یا چند نفر بدون دریافت هیچ پولی تصمیم بگیرند یک کار اینچینی انجام دهند. چه چیزی باعث می‌شود وقت و هزینه‌تان را برای این کار صرف کنید؟**
راستش من همیشه مشکلات را که می‌دیدم فکر می‌کردم هیچ چیز سریع درست نمی‌شود. بلکه باید کم‌کم تغییر اتفاق بیفتد. کسانی که امروز در

بیمار می‌شوند یا از دنیا می‌روند، یادشان می‌آید. اما فکر می‌کنم ما کار فشنگی کردیم که از این شاعر معاصر دعوت کردیم و ایشان هم از این بابت خیلی خوشحال بودند. رویداد سوم ما موضوع «بقا» بر گزار شد و سخنران مدیرانجنم یوز پلنگ ایرانی بودند. خانم «قاسم‌زاده» که همراه آقای «سلام‌دهگدی» برای مراسم آمدند و سخنرانی خوبی هم شد. چیزی که از ابتدا روی آن تأکید داشتیم این بود که سخنرانی باید جلوی مردم شخصیت خودش را داشته باشد، به همین خاطر هیچ آموزش و کمکی به آنها نمی‌کنم و حتی متن سخنرانی را از آنها نمی‌خواهم. تنها چیزی است که می‌گویم این است که فکر کنید می‌خواهید با دوستان‌تان صحبت کنید. مردم هم این صداقت را می‌فهمند و برای‌شان دلنشین‌تر است.

به همین به شکل رویدادها برگزار شد و تا به امروز ۱۰ ماه «صبح خلاق» را برگزار کرده‌ایم. • **از کدام رویداد بیشتر استقبال شد و مردم بیشتر دوست داشتند؟**
رویداد چهارم که سخنران آقای «عشایری» متخصص مغز و اعصاب بودند و برای موضوع «نبوغ» از ایشان دعوت کردیم. این دعوت از طریق آقای «حسین دهباشی» صورت گرفت. سخنران خیلی خوبی بودند و باز خورد بسیار عالی گرفتیم. همین‌طور رویداد ششم که اسپانسر آقای «فرات از انتظار» بود. موضوع سخنرانی «عشایری» تانسیم ایشان را به «صبح خلاق» دعوت کنیم. این برنامه در سالن همایش کانون زبان فارسی، در مجموعه «موقوفات دکتر محمود افشار» برگزار شد. حدود ۳۲۰ نفر نشستند و تقریباً ۶۰ نفر ایستاده این سخنرانی را گوش دادند. مایلم موضوعی را هم ولی جام‌طرح کنیم. من از «ضایعی» که برگزار کننده تانکس تهران، یک نکته خیلی مهم یاد گرفتیم. «رضا غیبی» به من گفت باید جوری پیش بروی که همه «صبح خلاق» را بشناسند، نه سخنران را. مهم این است که مردم به ما اعتماد داشته باشند که به این هدف خوبی دعوت می‌کنیم و فکرم می‌کند که به این هدف هم رسیده‌ایم. یک ماه سخنران‌مان را بعد از ثبت‌نام معرفی کردیم. ثبت‌نام خیلی عادی برگزار شد و جالب بود که مردم از قبیل منتظر نبودند تا بتوانند سخنران این ماه کیست.

• **آقای غفوری سوالی که دارم این است که چطور می‌شود یک یا چند نفر بدون دریافت هیچ پولی تصمیم بگیرند یک کار اینچینی انجام دهند. چه چیزی باعث می‌شود وقت و هزینه‌تان را برای این کار صرف کنید؟**
راستش من همیشه مشکلات را که می‌دیدم فکر می‌کردم هیچ چیز سریع درست نمی‌شود. بلکه باید کم‌کم تغییر اتفاق بیفتد. کسانی که امروز در

محدثه عیوض‌خانی | دو یا سه ماه پیش بود که با رویدادی به نام «صبح خلاق تهران» آشنا شدم. به‌طور ساده می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «یک صبح جمعه، برنامه سخنرانی ۲۰ دقیقه‌ای، به‌علاوه صرف صبحانه». از طریق دوستی به این رویداد دعوت شده بودم. برای من که آدم سحر خیزی نسبت‌مدین کلمه «صبح جمعه» و فکر این که روز تعطیل را باید زود از خواب بیدار شوم، واقعاً دردناک بود. اما وقتی به «برج آزادی» محل برگزاری این رویداد رفتم با صحنه عجیبی روبه‌رو شدم.

جست‌وجو می‌کنند و همان را به مردم تحویل می‌دهند. من خودم هیچ وقت در این همایش‌ها شرکت نمی‌کنم و اصلاً دوست ندارم. اما درباره کارهای اجتماعی تبلیغ و ویدامان را انجام دادیم. بعد از برگزاری رویداد نخست، عکس‌های زیادی از آن را در شبکه‌های اجتماعی مان منتشر کردیم. این باعث شد آدم‌های بیشتری با آن آشنا شوند. سخنران رویداد نخست آقای «مهره‌وتن هاشمی» بودند. موضوع سخنرانی «فراز از انتظار» بود. ایشان کسی هستند که ایران‌گردی کرده و فیلم‌هایی با کیفیت فوق‌العاده بالا از کشورمان تهیه می‌کنند. این ویدیوها کیفیت جدیدی از ایران را ارائه می‌دهند و از نظر ما این کار چیزی فراتر از انتظار است. برای رویداد دوم همان سالن ۱۳۰ نفره را گرفتیم، اما این بار تعداد بیشتری آمدند و حتی عده‌ای ایستاده بودند. خیلی بهتر برگزار شد. برای فرستاده اسپانسر گرفتیم و پزیرایی خوبی انجام دادیم. موضوع این رویداد «سرندیبیتی» بود. ترجمه این کلمه «خوش‌شانسی اتفاقی» است. این رایگوم که هر ماه به همراه تان با موضوع، متنی هم درباره آن موضوع فرستاده می‌شود. در هر درباره «سرندیبیتی» نوشته شده بود که این کلمه برگرفته از داستان سه شاهزاده سرندیب است که از کتابی نوشته «میر خسرو دهلوی» گرفته شده و داستانش این بود که این سه شاهزاده مدام خوش‌شانسی‌های اتفاقی برای‌شان رخ می‌داد. این جالب بود که «میر خسرو دهلوی» این داستان را نوشته و بعد یک نویسنده انگلیسی «سرندیبیتی» را از آن استنباط کرده است. نخستین دعوت می‌کنیم و فکرم می‌کند که به این هدف هم رسیده‌ایم. یک ماه سخنران‌مان را بعد از ثبت‌نام معرفی کردیم. ثبت‌نام خیلی عادی برگزار شد و جالب بود که مردم از قبیل منتظر نبودند تا بتوانند سخنران این ماه کیست.

• **آقای غفوری سوالی که دارم این است که چطور می‌شود یک یا چند نفر بدون دریافت هیچ پولی تصمیم بگیرند یک کار اینچینی انجام دهند. چه چیزی باعث می‌شود وقت و هزینه‌تان را برای این کار صرف کنید؟**
راستش من همیشه مشکلات را که می‌دیدم فکر می‌کردم هیچ چیز سریع درست نمی‌شود. بلکه باید کم‌کم تغییر اتفاق بیفتد. کسانی که امروز در

جست‌وجو می‌کنند و همان را به مردم تحویل می‌دهند. من خودم هیچ وقت در این همایش‌ها شرکت نمی‌کنم و اصلاً دوست ندارم. اما درباره کارهای اجتماعی تبلیغ و ویدامان را انجام دادیم. بعد از برگزاری رویداد نخست، عکس‌های زیادی از آن را در شبکه‌های اجتماعی مان منتشر کردیم. این باعث شد آدم‌های بیشتری با آن آشنا شوند. سخنران رویداد نخست آقای «مهره‌وتن هاشمی» بودند. موضوع سخنرانی «فراز از انتظار» بود. ایشان کسی هستند که ایران‌گردی کرده و فیلم‌هایی با کیفیت فوق‌العاده بالا از کشورمان تهیه می‌کنند. این ویدیوها کیفیت جدیدی از ایران را ارائه می‌دهند و از نظر ما این کار چیزی فراتر از انتظار است. برای رویداد دوم همان سالن ۱۳۰ نفره را گرفتیم، اما این بار تعداد بیشتری آمدند و حتی عده‌ای ایستاده بودند. خیلی بهتر برگزار شد. برای فرستاده اسپانسر گرفتیم و پزیرایی خوبی انجام دادیم. موضوع این رویداد «سرندیبیتی» بود. ترجمه این کلمه «خوش‌شانسی اتفاقی» است. این رایگوم که هر ماه به همراه تان با موضوع، متنی هم درباره آن موضوع فرستاده می‌شود. در هر درباره «سرندیبیتی» نوشته شده بود که این کلمه برگرفته از داستان سه شاهزاده سرندیب است که از کتابی نوشته «میر خسرو دهلوی» گرفته شده و داستانش این بود که این سه شاهزاده مدام خوش‌شانسی‌های اتفاقی برای‌شان رخ می‌داد. این جالب بود که «میر خسرو دهلوی» این داستان را نوشته و بعد یک نویسنده انگلیسی «سرندیبیتی» را از آن استنباط کرده است. نخستین دعوت می‌کنیم و فکرم می‌کند که به این هدف هم رسیده‌ایم. یک ماه سخنران‌مان را بعد از ثبت‌نام معرفی کردیم. ثبت‌نام خیلی عادی برگزار شد و جالب بود که مردم از قبیل منتظر نبودند تا بتوانند سخنران این ماه کیست.

• **آقای غفوری سوالی که دارم این است که چطور می‌شود یک یا چند نفر بدون دریافت هیچ پولی تصمیم بگیرند یک کار اینچینی انجام دهند. چه چیزی باعث می‌شود وقت و هزینه‌تان را برای این کار صرف کنید؟**
راستش من همیشه مشکلات را که می‌دیدم فکر می‌کردم هیچ چیز سریع درست نمی‌شود. بلکه باید کم‌کم تغییر اتفاق بیفتد. کسانی که امروز در

جست‌وجو می‌کنند و همان را به مردم تحویل می‌دهند. من خودم هیچ وقت در این همایش‌ها شرکت نمی‌کنم و اصلاً دوست ندارم. اما درباره کارهای اجتماعی تبلیغ و ویدامان را انجام دادیم. بعد از برگزاری رویداد نخست، عکس‌های زیادی از آن را در شبکه‌های اجتماعی مان منتشر کردیم. این باعث شد آدم‌های بیشتری با آن آشنا شوند. سخنران رویداد نخست آقای «مهره‌وتن هاشمی» بودند. موضوع سخنرانی «فراز از انتظار» بود. ایشان کسی هستند که ایران‌گردی کرده و فیلم‌هایی با کیفیت فوق‌العاده بالا از کشورمان تهیه می‌کنند. این ویدیوها کیفیت جدیدی از ایران را ارائه می‌دهند و از نظر ما این کار چیزی فراتر از انتظار است. برای رویداد دوم همان سالن ۱۳۰ نفره را گرفتیم، اما این بار تعداد بیشتری آمدند و حتی عده‌ای ایستاده بودند. خیلی بهتر برگزار شد. برای فرستاده اسپانسر گرفتیم و پزیرایی خوبی انجام دادیم. موضوع این رویداد «سرندیبیتی» بود. ترجمه این کلمه «خوش‌شانسی اتفاقی» است. این رایگوم که هر ماه به همراه تان با موضوع، متنی هم درباره آن موضوع فرستاده می‌شود. در هر درباره «سرندیبیتی» نوشته شده بود که این کلمه برگرفته از داستان سه شاهزاده سرندیب است که از کتابی نوشته «میر خسرو دهلوی» گرفته شده و داستانش این بود که این سه شاهزاده مدام خوش‌شانسی‌های اتفاقی برای‌شان رخ می‌داد. این جالب بود که «میر خسرو دهلوی» این داستان را نوشته و بعد یک نویسنده انگلیسی «سرندیبیتی» را از آن استنباط کرده است. نخستین دعوت می‌کنیم و فکرم می‌کند که به این هدف هم رسیده‌ایم. یک ماه سخنران‌مان را بعد از ثبت‌نام معرفی کردیم. ثبت‌نام خیلی عادی برگزار شد و جالب بود که مردم از قبیل منتظر نبودند تا بتوانند سخنران این ماه کیست.

• **آقای غفوری سوالی که دارم این است که چطور می‌شود یک یا چند نفر بدون دریافت هیچ پولی تصمیم بگیرند یک کار اینچینی انجام دهند. چه چیزی باعث می‌شود وقت و هزینه‌تان را برای این کار صرف کنید؟**
راستش من همیشه مشکلات را که می‌دیدم فکر می‌کردم هیچ چیز سریع درست نمی‌شود. بلکه باید کم‌کم تغییر اتفاق بیفتد. کسانی که امروز در

لطفاً کمی از زندگی‌تان برای ما بگویید و ما را با خودتان آشنا کنید.

من متولد ۱۳۷۰ هستم. در نوشهر به دنیا آمدم، ولی آن‌جا زندگی نکردیم. تاسا کلاس اول ابتدایی بابل زندگی می‌کردیم و بعد از آن به خاطر شغل پدرم که رستوران‌دار بود، به تهران آمدم. در تهران به مدرسه رفتم و دبیرستان رشته ریاضی فیزیک خواندم. از نوجوانی به برنامه‌نویسی علاقه‌مند بودم. کمی کارهای مربوط به آن مثل کدنویسی و دیگر چیزها را انجام می‌دادم. ویلاک هم داشتم. بعد از دبیرستان کنکور دادم و رشته نرم‌افزار را که دوست داشتم، هم در تهران و هم شمال قبول شدم. اما نرفتم، چون بررسی کردم و دیدم ساختاری که در دانشگاه آموزش می‌دهند آن ساختاری نیست که من خودم یاد می‌گیرم. در اصل چیزی که دانشگاه آموزش می‌داد تناسبی با بازار کار نداشت. بنابراین دانشگاه رفتیم و برنامه‌نویسی را خودم بیگیری کردم. همان سال‌ها یعنی تقریباً در ۱۸ سالگی شرکت‌مان را ثبت کردم. یک شرکت برنامهنویسی. از ابتدا با مبلغ خیلی کمی که داشتم، کار را شروع کردم و تعدادی از دوستان هم به من اضافه شدند و کم‌کم کارمان شکل گرفت و ادامه پیدا کرد. در همین زمینه جلو رفتم. این را هم بگویم که من اصلاً کلاس آموزشی نرفتم و همه آموزش‌هایم از طریق اینترنت بود. فقط یک دوره کلاس رفتم، ولی عملاً این‌طور شد که چیزی را یاد می‌دادم که من از قبل بلد بودم. روش کار من در برنامه‌نویسی، روشی بود که خارج از ایران انجام می‌دادند و این تا حدی کار من را متمایز کرده بود. کم‌کم کار به سمتی رفت که اختصاصاً برنامه‌نویسی می‌کردم و این باعث شد کارهای تکنیکال مثل برنامه‌نویسی برای سازمان‌ها را انجام می‌دادم. هنوز هم در شرکت‌مان این کار را دنبال می‌کنم. چند وقتی هم هست که در اتاق بازرگانی ایران و سوییس حضور دارم و سایت اتاق بازرگانی‌مان است.

• **پس باید در آمد خوبی داشته باشید...**
بد نیست. خیلی چشمگیر نیست، ولی رضای هستم.
• **تا الان از این که دانشگاه نرفتید پشیمان نشدید؟ یا به این فکر نیتاید که مدرک دانشگاهی داشته‌باشید؟**
نه هیچ وقت.

• **با توجه به این که ما آدم‌های مدرک‌گرایی هستیم، به خورد بقیه‌با این موضوع چیست؟**
من در مدتی که کار کردم، یعنی این ۸ یا ۹ سال، با اطمینان می‌گویم هیچ کس از من نپرسیده که دانشگاه رفتم یا نه، یا رشته دانشگاهی من چه بوده. من در معرفی خودم و کارم برای مشتری‌ها، جوری بر خودم می‌کنم که فضو‌توی روی این موضوع نداشت باشند. همیشه به شروع کار به‌طور کامل همه چیز را به مشتری توضیح می‌دهم. کاملاً شفاف. این کار باعث اعتمادسازی می‌شود. اوایل هم که کار را تازه شروع کرده بودم، راستش پروژه‌ها آن‌قدر بزرگ نبود که مشتری بخواهد من را بررسی کند. مثلاً طراحی سایت آموزشگاه موسیقی بود. یا کارهایی از این دست. در کل مهم این است که من چطور خودم را ارائه می‌کنم. اگر خوب خوب این کار را انجام ندهم، حتماً مشتری سراغ مدرک و رشته دانشگاهی را می‌گیرد.

• **هیچ وقت فکر نکردید که ایران مهاجرت کنید؟**

نه اصلاً زمانی موقعیتش را داشتم، ولی نرفتم.
• **برای کاری که انجام می‌دهید و تخصصش را دارید، موقعیت کاری در ایران بهتر است یا خارج؟**
مهمترین چیزی که در آن جا هست و این‌جا نه، تخصصی بودن کارهاست. ما در بازار کار تعداد زیادی شرکت و آدم غیرمتخصص داریم که دارند کار می‌کنند و همین باعث شده سلیقه مردم پایین‌تر بیاید. خارج از ایران را تجربه نکردم، ولی چیزی که شنیدم این بوده که خارج از ایران، یا حداقل در آمریکا که برنامه‌نویسی را با ساختار دست‌کاری می‌کنند، هر گوشه کار کویست یک نفر متخصص انجام می‌گیرد. این موضوع در پیشرفت کلی شغل‌شان خیلی موثر است. این‌جا این‌طور نیست. در زمینه کاری من و همچنین در حوزه استارت‌آپ تازه و جوان هستیم. آنها خیلی از ما جلوترند. سرعت رشدشان بالاست، ولی هنوز راه زیادی داریم. برای کسی که در این زمینه‌ها متخصص است، مسلماً امنیت شغلی و پتانسیل کاری در آن‌جا بالاتر است، ولی خدا را شکر این‌جا هم موقعیت‌های شغلی زیادی در این زمینه وجود دارد.

• **دوست صبح‌زودتر برویم سراغ «صبح خلاق» ایده برگزاری این رویداد چطور به ذهن شما رسید و اصلاً چطور با آن آشنا شدید؟**
خیلی اتفاقی با «صبح خلاق» آشنا شدم. یک وبسایتی بود که به سبب کار برنامه‌نویسی زیاد به آن جاسر می‌زدم. بار نخست آن «صبح خلاق» creative morning را در آن وبسایت دیدم. برایم جالب شد که این creative morning چیست. جست‌وجو کردم و همین‌طور سایت آن را دیدم و کمی با کاری

که می‌کنند آشنا شدم. اواخر فروردین سال گذشته بود. فهمیدم که این رویداد واقعاً یک جور همایش است. راستش همیشه جزو مخالفان سرسخت‌بیشتر همایش‌هایی بودم که در ایران برگزار می‌شود، چون اتفاقی که در آنها می‌افتد گاهی شبیه به کامی است. برنامه به این شکل پیش می‌رود که می‌گویند یک همایش برگزار می‌کنیم، وزیر و نماینده وزیر را دعوت می‌کنیم، اسپانسر می‌گیریم و در نهایت یک مقدار پول برای‌مان می‌ماند. چیزی که سخنران‌ها ارائه می‌دهند هم بی‌فایده است. مطلبی را از اینترنت

که می‌کنند آشنا شدم. اواخر فروردین سال گذشته بود. فهمیدم که این رویداد واقعاً یک جور همایش است. راستش همیشه جزو مخالفان سرسخت‌بیشتر همایش‌هایی بودم که در ایران برگزار می‌شود، چون اتفاقی که در آنها می‌افتد گاهی شبیه به کامی است. برنامه به این شکل پیش می‌رود که می‌گویند یک همایش برگزار می‌کنیم، وزیر و نماینده وزیر را دعوت می‌کنیم، اسپانسر می‌گیریم و در نهایت یک مقدار پول برای‌مان می‌ماند. چیزی که سخنران‌ها ارائه می‌دهند هم بی‌فایده است. مطلبی را از اینترنت